

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده  
شهر - اسن - المان

## آزادی

به گوش جان شنیدم ناگهان ، پیغام آزادی  
خروس وحدت عالم ، بلند بام آزادی  
پشارتها ، که از مغرب ، طلوع شمس معنا شد  
شب تاریک ما روشن ، سحر شد شام آزادی  
سپاه نور در جولان ، به تنویر همه عالم  
سلاح صلح در هر آن ، پی اکرام آزادی  
شکست قفل در ، از خانه تقلید میراثی  
که تا هر زائری برتن ، کند احرام آزادی  
سجود هرگز روا نبود ، به محراب جنون پرور  
مقام عرش دل ظاهر ، ز استیشمام آزادی  
زلال صدق می ریزد ، ز جام و ساغر وحدت  
عبیر و مشک می بیزد ، صفای نام آزادی  
خراب و خسته راه محبت را ، چه پروائی  
به هر سستی دهد مستی ، شراب ناب آزادی  
امیر لانه فقرم ، انیس رنج و درد و غم  
سمند سرکش عشقم ، ولاکن رام آزادی  
تباه شد عالم انسان ، ز بیداد جفاکیشان

چو شیخ و مجتهد دایم ، پیّ اِظلامِ آزادی  
اگر قاضی و خارنوال و یا ، مفتی شدی واعظ  
تنورِ جهلِ شان سوزد ، بسی اقلامِ آزادی  
بلند پردازیِ طبعم ، حقایق را بیان دارد  
که ملا ، بدرگ و بد نام و هم بد کامِ آزادی  
به خلوت پیرِ شیطان و به مسجد رهبرِ مردم  
به دستِ هر خبیث افتاده سر انجامِ آزادی  
چو گفتار و پلنگ و گرگ و زاغ و باشه و کرگس  
نشسته در کمین هریک ، که تا اتمامِ آزادی  
ولاکن بیخبر از همتِ والای افغانی  
که دارد پنجهٔ فولاد ، چون صمصامِ آزادی  
گروهی روز و شب کوشا وطن بیچاره تر گردد  
پیِ افغان و افغانی ، شده سرسامِ آزادی  
بیا ای تبعهٔ افغان ، تو ای پشتون و ای تاجیک  
هزاره ، ازبک و غیره ، به استسلامِ آزادی  
بیا ای شیعه و سُنی ، یهود و گبر و نصرانی  
بهائی و برهمنی ، به استحکامِ آزادی  
بیا تا یک بشر باشیم و عالم یک وطن گردد  
شبانِ حق شده ظاهر ، و ما اغنامِ آزادی  
و تو ای اشرفِ مخلوق ، بنما خدمتِ هم‌نوع  
که تا این عالمِ فانی ، شود فرزامِ آزادی  
بیا ای هموطن ، دست و دلی بردار ، از اشرار  
ضمیرِ خویشتن روشن ، کن از انعامِ آزادی  
ز تار و پود و نقدِ جان ، حریرِ جامهٔ وحدت  
رسای قامتِ سرو و ، گلِ اندامِ آزادی  
مُعتبرِ عالمِ امکان ، معطرِ خاطرِ انسان  
مشجرِ روضهٔ ایمان ، کن از الهامِ آزادی  
صریرِ خامهٔ حکمت ، حفیفِ سدرهٔ رحمت  
خدا بر ما کند قسمت ، که تا اعلامِ آزادی

به میدانِ عمل «نعمت» ز صدقِ دل نما خدمت  
که این همت دهد چشمت ، به هر قُدامِ آزادی